

برآورد روش‌های افزایش قدرت نرم در بازیگری ایران و ترکیه در سوریه و عراق

غلامعباس فدایی دولت^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰

امین روان بد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۱۲

غفار زارعی^۳

چکیده

هدف پژوهش برآورد روش‌های افزایش قدرت نرم در بازیگری ایران و ترکیه در سوریه و عراق بود. برای این منظور از تحقیق کیفی (تئوری بنیانی) استفاده شد. جامعه‌ی آماری شامل تمامی اساتید رشته علوم سیاسی است که با ۲۰ نفر از آنان مصاحبه صورت پذیرفت. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب نفر اول و از تکنیک گلوله برفی برای انتخاب نفرات بعدی استفاده شد. در تحلیل یافته‌ها ابتدا با مرور و بازنگری متن مصاحبه‌ها، مفاهیم و عبارات معنی‌دار استخراج شدند، سپس از تجزیه و تحلیل و کدگذاری این مفاهیم و عبارات، مقوله‌های اصلی استخراج شدند. نتایج نشان داد که دو طبقه گسترده شامل همگرایی با هنجارهای جهانی و عملکرد مسئولانه در سطح بین‌المللی شناسایی شدند و پنج زیرطبقه نیز عبارتند از: موقعیت جغرافیایی و استراتژیک، تاریخ و جاذبه‌های فرهنگی، دین و ایدئولوژی، همزیستی مسالمت‌آمیز، حضور در مجامع بین‌المللی. هر یک از این زیرطبقات یا همان مولفه‌های قدرت نرم خود شامل گویه‌هایی هستند تحت عنوان کدهای باز برجسته.

واژگان کلیدی: تئوری بنیانی، قدرت نرم، همزیستی مسالمت‌آمیز.

^۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

^۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران (نویسنده مسئول) asghar.mo.de@gmail.com

^۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران ghafarzarei@yahoo.com

می توان قدرت را، توان تغییر رفتار دیگران در راستای اراده و خواست صاحب قدرت تعریف کرد. تحت تاثیر قرار دادن رفتار دیگران در عرصه‌ی سیاست بین المللی از طرق مختلفی امکان پذیر است. توان نظامی و قدرت اقتصادی بعد سخت از قدرت یک کشور را تشکیل می دهد. تهدید به اعمال قدرت نظامی و یا وعده‌ی پرداخت مبالغی قابل توجه برای تاثیر در رفتار کشورها را می توان کاربرد قدرت سخت نامید. از جانی دیگر اگر فرهنگ کشوری توان جذب دیگران را داشته و انگیزه‌ی کشورهای مختلف برای پیگیری و تبعیت از آن را برانگیزد، می توان از قدرت نرم آن کشور سخن گفت. تحت تاثیر قرار دادن رفتار کشورهای مختلف بواسطه‌ی فرهنگ جذاب و ایجاد انگیزه در آنان برای همکاری های بیشتر را می توان اعمال قدرت نرم نامید. برای مثال اگر شما سلاحی بر روی شقیقه‌ی فردی گذاشته و کیف پول او را مطالبه نمایید در حال استفاده از قدرت سخت هستید. اما اگر بتوانید از طریق اقناع و جلب نظر مثبت او کیفش را صاحب شوید در چنین شرایطی از قدرت نرم استفاده کرده اید. (اخلاقی، ۱۳۹۵: ۳۴).

با این تفاسیل، نباید فراموش کرد که قدرت یک کشور ترکیبی از قدرت سخت و قدرت نرم آن است. به عبارتی دیگر قدرت نرم که همانا تحت تاثیر قراردادن دیگران بواسطه‌ی جذابیت است، خاصیتی افزایشی در نسبت با قدرت بمعنای عام آن دارد. یعنی قدرت نرم در کنار قدرت سخت بشکلی مکمل، قدرت یک کشور را تعیین می کند. هر کشوری برای رسیدن به اهداف خود باید به ترکیب این دو قدرت پردازد، که آن را قدرت هوشمند می نامد. برای برتری در مقابل رقبا در کنار نیاز به پیروزی ارتش قدرتمند، نیاز به پیروزی روایت آن کشور نیز وجود دارد. (رحیمی، ۱۳۹۱: ۲۸).

عده ای از اندیشمندان اهمیت قدرت نرم را نادیده گرفته و یا آن را انکار می کنند. آن ها معتقدند که همکاری کشورهای مختلف با یک کشور بر اساس منافع و نیازهای آن ها شکل می گیرد. در نتیجه جذابیت فرهنگی آن کشور، در جذب همکاری ها چندان موثر نیست. بلکه توان اقتصادی و سخت افزاری آن کشور دیگران را به همکاری با آن سوق می دهد. چرا که اصل پیگیری منافع، هر کشوری را به سوی همکاری با کشور قدرتمند (از لحاظ سخت افزاری) هدایت می کند. اما برخی دیگر معتقدند که همکاری دارای درجات متغیری است و میزان همکاری کشورهای مختلف ارتباط مستقیمی با جاذبه و دافعه‌ی هر کشور دارد. یعنی با افزایش جاذبه‌ی فرهنگی و قدرت نرم یک کشور، انگیزه‌ی کشورهای دیگر برای همکاری با آن افزایش می یابد. (بنی هاشمی، ۱۳۸۸: ۱۱).

در این بین دو کشور عراق و سوریه چندین سال درگیر جنگ های داخلی فرقه های مختلف مذهبی هستند که منافع ملی آن ها به شدت تحت تاثیر این درگیریها و کشمکش هاست. به حدی است که منافع ملی آن ها در طی این سال ها دچار چالش های اساسی است که بر مناسبات کشورهای همسایه نیز تاثیر بسزایی گذاشته است.

کشورهای ایران و ترکیه نیز با احساس در خطر افتادن منافع ملی خود و در وهله بعد ترس از کشیده شدن جنگ در مرزهای داخلی این کشورها به طریق مختلف بازیگری و تاثیر خود را در این دو کشور روز به روز افزایش داده و با استفاده از قدرت سخت و نرم خود در خاورمیانه توانسته اند تا حدودی به اهداف خود دست یابند.

این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که قدرت سخت و قدرت نرم چه نقشی در پیشبرد منافع ملی ایفا می‌کنند و یا به عبارت دیگر برای دستیابی به منافع ملی، قدرت سخت موثرتر است یا قدرت نرم؟ در راستای پاسخ به این پرسش، بازیگری کشورهای ایران و ترکیه در جهت پیشبرد منافع ملی شان با استفاده از قدرت نرم و سخت در کشورهای عراق و سوریه بررسی شده است.

سوال اصلی

قدرت نرم و قدرت سخت بر پیشبرد منافع ملی ایران به چه میزان تاثیر گذار هستند؟

پیشینه قدرت نرم

در تاریخ اندیشه سیاسی مسلمانان از همان ابتدای استقرار حکومت اسلامی در مدینه النبی به دست پیامبر اعظم (ص)، این نکته که قدرت حاکمیت اسلامی لزوماً باید امتداد مشروع قدرت الهی باشد، به عنوان اصلی مهم و ثابت پابرجا درآمد، به طوری که همواره دانشمندان اسلامی در نظریه های مطرح شده، ابتدا به قدرت الهی استناد جسته و سپس نظریه خود را به عنوان تجلی و امتداد آن قدرت بزرگ معرفی نموده اند.

به تدریج که بحث های کلامی در میان مسلمانان رشد یافت و در طول سه قرن، سه حوزه عمده کلامی یعنی اشاعره، معتزله و امامیه در میان مسلمانان شکل گرفت، مسأله قدرت و حاکمیت سیاسی نیز به صورت بحثی مهم در حوزه های کلامی مزبور درآمد. در عین حال، تلاش همه متکلمان در این جهت بود که نشان دهند نظریه سیاسی آنان پیرامون خلافت، زعامت و ولایت بر مسلمانان، استمرار ولایت خدا و رسول خداست. بنابراین در حوزه های کلامی هم لزوم امتداد قدرت و حاکمیت الهی در عرصه حاکمیت سیاسی مسلمانان، اصلی بدیهی و مشروع عنه به حساب آمد. با وجود این، تا قبل از قرن بیستم میلادی، مطالعه و پژوهش درباره «قدرت سیاسی و اجتماعی» به عنوان موضوعی مستقل از حاکمیت، در میان فلاسفه اجتماعی اسلامی و غربی سابقه نداشته و آنچه در قرون گذشته بیشتر مطرح بوده، نگرش به مقوله «قدرت» از لابه لای بحث های «حاکمیت» بوده است.

در دنیای غرب نیز برتراند راسل سال ۱۹۳۸ در کتاب خود با عنوان «قدرت» موضوع «قدرت» را مستقل از «حاکمیت» مورد بررسی قرار داده است وی از «باورا و ایدئولوژی» به عنوان منبع اصلی قدرت نام می برد و یک بخش از کتاب خود را به نام «قدرت برهنه» نامیده که منظورش از به کارگیری این واژه همان قدرت سخت است و در بخشی دیگر از «قدرت باور»^۴ نام می برد و اگرچه به صراحت از واژه قدرت نرم نامی به میان نمی آورد، اما در

4. Power of Belief

تیین و تحلیل هایش از قدرت غیر برهنه و پنهان نام برده که منظور، قدرت در حوزه های فرهنگی است. (راسل، ۱۳۸۷؛ ۱۵۲) وی در ادامه از باور در دین اسلام و بین مسلمانان به عنوان منبع و منشأ قدرت که از ابهت و اقتدار بسیار قوی برخوردار است به عنوان نمونه کلاسیک یاد نموده است و چنین ابراز می نماید: «نمونه کلاسیک رسیدن به قدرت از طریق باور، اسلام است. پیامبر اسلام (ص) بر منابع مادی عرب چیزی نیفزود و با این حال، چند سال پس از او عرب ها با شکست دادن نیرومندترین همسایگان خود امپراتوری بزرگی بر پا کردند. بدون شک دیانتی که پیامبر اسلام (ص) بنیان نهاد عامل اساسی توفیق ملت عرب بوده است (همان، ۱۸۵)

اما حقیقت ماجرا این است که پروفیسور حمید مولانا استاد دانشگاه آمریکن برای اولین بار در کتاب «اطلاعات و ارتباطات جهانی: مرزهای نو در روابط بین الملل» در سال ۱۸۶ میلادی به تعریف و تییین واژه قدرت نرم پرداخت. مولانا قدرت نرم را «توانایی شکل دهی ترجیحات دیگران» تعریف کرده است.

همچنین مولانا قدرت را به دو بخش تقسیم کرده است: قدرت ناملموس «نرم» که منابع آن دین، ارزش ها، باورها، ایدئولوژی و دانش هستند و قدرت سخت یا ملموس که در مواردی چون منابع طبیعی، جمعیت، ثروت و ابزار نظامی و جنگی و غیره ریشه دارد. به اعتقاد مولانا، قدرت نرم زیربنای قدرت سخت بدو و ماهیت آن را مشخص می نماید.

ابعاد قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران

قدرت نرم در فرآیند انقلاب اسلامی ایران در سطح تحلیل داخلی، منطقه ای و بین المللی دارای اهمیت قابل توجهی بود. انقلاب اسلامی ایران را می توان تجلی تحقق قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و یا پرداخت هزینه محسوس به شمار آورد. از اهداف انقلاب اسلامی، پاسداری از آزادی و امنیت انسان در حوزه های گوناگون فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، قضایی و اقتصادی است. آرمان ها و هنجارهای انقلاب در سطح تحلیل منطقه ای و بین المللی نیز پیام جذاب انقلاب اسلامی توانست راه گشای ملت های مسلمان و نیز ملل جهان سومی و مستضعف گردد و ضمن احیای هویت جهان اسلام، ارتقای بیداری اسلامی، به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تکیه بر خودباری فرهنگی و پرچمداران انقلاب فرهنگی جهانی اهتمام ورزد.

الف) در سطح تحلیل داخلی

براساس زیرساخت ها و الزامات فکری و فرهنگی سند چشم انداز بیست ساله نظام، تعمیق معرفت و بصیرت دینی آحاد جامعه و تقویت و تحکیم ارزش های اسلامی و اخلاقی که حوزه های فردی و اجتماعی و همچنین برجسته سازی مستمر و همه جانبه اندیشه های دینی و سیاسی حضرت امام خمینی (ره) در حوزه های تصمیم سازی و تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرایی دستگاه های نظام جمهوری اسلامی به ویژه سازمان ها و نهادهای فرهنگی و آموزشی و اصلاح نوسازی نظام آموزشی و تعلیم و تربیت کشور و تعمیق تفکر و فرهنگ بسیجی در زمره اولویت های نرم افزاری نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می گردد. افزون بر این می توان به ابعادی از قدرت نرم

افزاری انقلاب اسلامی ایران از جمله رهبری فرهمند امام خمینی، وحدت و اعتماد ملی، توسعه دانایی محور، جنبش نرم افزاری و سیاست فرهنگی اشاره کرد.

۱- رهبری فرهمند امام خمینی: رهبری کاریزماتیک امام خمینی را می توان در ارائه ارزش هایی دانست که مردم را به پیروی بی چون و چرا از فرامین ایشان با توجه به جذابیت محتوای آن و باور قلبی مردم به اعتقاد امام به گفته های خویش و ابتناء آن بر آموزه های فقهی و اسلامی متقاعد می ساخت.

۲- وحدت و اعتماد ملی: انقلاب اسلامی ایران با بهره گیری از اعتماد ملی به عنوان سرمایه اجتماعی و بعد چهارم قدرت توانست به تعمیق وحدت و همبستگی ملی و تجمیع کلیه اقشار و گروه ها و دستجات ملی و مذهبی کشور همت گمارد و با بهره مندی از مشارکت عمومی، فرهنگ استقلالی، بسیجی، سازندگی، اصلاح طلبی و عدالت خواهی را در جامعه گسترش بخشید. وفاق اجتماعی به عنوان مظهر قدرت نرم توانست به ایفای کارکردهایی چون همفکری، هم احساسی، هم کنشی، و شکل گیری ذهن اجتماعی که به همکاری و تعامل میان گروه های مختلف اجتماعی می انجامد، پردازد و نظم درونی و بی نیازی از نظم بیرونی و سیاسی را آشکار سازد. (همان، ۲۹۷)

۳- توسعه دانایی محور: انقلاب اسلامی ایران زمینه را برای اهتمام همزمان به توسعه چند بعدی در ابعاد علمی، فرهنگی، اخلاقی، دینی و اجتماعی علاوه بر توسعه سیاسی و اقتصادی فراهم می آورد. این مهم ناشی از توجه به فرهنگ به عنوان حوزه مستقل و بالذات مطلوب و بهره گیری نرم افزاری از دین به عنوان نظام معانی و نمادسازی بود. انقلاب اسلامی رویکرد توسعه دانایی محور را برای تبدیل کشور به جامعه ای دانش بنیان اتخاذ کرد تا علم و اندیشه مسیر حیات فردی و جمعی را مشخص سازد و فرآورده های علمی با خود اقتدار، صلابت و عزت را به ارمغان آورد و نقش مؤثری در تأمین امنیت و آرامش اجتماعی ایفا کند.

۴- جنبش نرم افزاری: انقلاب اسلامی ایران توجه به نوآوری و نواندیشی را در صدر اولویت های خود قرار داد به گونه ای که رهبر فرزانه انقلاب خواستار تحقق جنبش نرم افزاری همه جانبه و فراگیر شدند. این حرکت و نهضت مبتنی بر مؤلفه های زیر بود:

ایجاد فرهنگ تولید علم، ارتقای قدرت علمی و جرأت علمی، پرورش و شکوفایی استعدادها، نفی الگوپذیری تقلیدی از فرهنگ غرب، ایجاد تحولات و پیشرفت های علمی در چارچوب ارزش های دین مدار، ارتقای روحیه خودباوری و اتکاء به نفس و اندیشه و اراده خودی، استفاده از ظرفیت های علمی بومی، تقویت بنیه پژوهش کشور، تعالی و رشد اقتصادی و علمی کشور با هویت بخشیدن به مراکز علمی، پیوند مفاهیم و اخلاق دینی با علم روز، ایجاد خلاقیت و نوآوری علمی، اهتمام به فراگیری علم و دانش با ارتقای ایمان و معنویت، عنایت به آزاداندیشی، دین باوری و نواندیشی دینی و نفی تحجر و جزم گرایی و تفکر و فرهنگ وارداتی غرب، هوشیاری در برابر تئوری های وارداتی، نفی تفکر تقلیدی و تبعی و اهتمام به فکر استقلالی به منظور پرهیز از انفعال و مجذوبیت و مبهوت بودن در برابر تحلیل های بیگانه، اهتمام به تولید علم و بومی کردن آن بر مبنای فرهنگ ملی و ارتقای توسعه

انسانی، گسترش و اعتلای جنبش نرم‌افزاری در حوزه‌های علوم اجتماعی و انسانی بر اساس اصول و ارزش‌های ایران اسلامی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه و اعتلای فعالیت‌های تحقیقاتی پیرامون نوآوری و دستیابی به فناوری‌های نوین.

۵- سیاست فرهنگی: انقلاب اسلامی ایران با هدف نشر و گسترش اندیشه و پیام اسلام، استقلال فرهنگ، تکامل روحی و اخلاقی، تحقق کامل فرهنگ اسلامی در عین اهتمام به درک مقتضیان زمان، اولویت خود را بر برنامه‌ریزی و اصلاح فرهنگ جامعه و نهادینه کردن آن مطابق با نیازهای توسعه در جامعه دینی قرار داد و سیاست فرهنگی برگرفته از جهان‌بینی و انسان‌شناسی اسلامی بر اساس احترام به کرامت انسانی، سرشت معنوی بشر، خیرخواهی، کمال‌جویی، آرمان‌طلبی، استقلال‌گرایی، آزادی‌خواهی، عزت‌نفس و قدرت ایمان را محور فعالیت‌های خود قرار داد. در این زمینه می‌توان به اهداف فرهنگ انقلابی اسلامی در پرتو این سیاست نرم‌افزاری اشاره کرد:

- رشد و تعالی فرهنگ اسلامی- انسانی و بسط پیام و فرهنگ انقلاب اسلامی در جامعه و جهان.
- استقلال فرهنگی و زوال مظاهر منحط و مبانی نادرست فرهنگ‌های بیگانه و پیراسته شدن جامعه از آداب و رسوم منحرف و خرافات. (همان، ۳۰۲)

- آراسته شدن به فضائل اخلاقی و صفات خدایی در مسیر وصول به مقام انسانی متعالی.
- بازشناسی و پاسداری از موارث و سنن تاریخی، دینی، ادبی و هنری.

- شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی.

- تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه‌ی تلاقی و تعارض افکار و نضج فرهنگ آزاداندیشی، خردورزی، نظریه‌پردازی و نواندیشی دینی.

- مقابله با خرافات و موهومات و جمود و تحجر فکری، مقدس‌مآبی و ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان.

انقلاب اسلامی توانست به بازسازی تمدن اسلامی بر اساس تبیین اصول دینی و ارزشی و تقویت فضای عمومی و جامعه مدنی اسلامی و ارتقای آگاهی‌های دینی و سیاست جهان اسلام مبادرت ورزد.
(ب) در سطح تحلیل منطقه‌ای

در زمره ابعاد قدرت نرم‌افزاری انقلاب اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای می‌توان به مواردی از جمله بازسازی تمدن اسلامی، ارتقای بیداری اسلامی، احیای هویت جهان اسلام، محوریت ثبات منطقه‌ای و جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم اشاره کرد که ذیلاً به تجزیه و تحلیل این جنبه‌ها پرداخته می‌شود:

۱- بازسازی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی ایران با اعطای خودباوری فرهنگی به ملت‌های مسلمان و بهره‌گیری از فناوری‌های مدرن ارتباطی برای انتقال پیام نواندیشی دینی در جهان اسلام توانست رویکرد تمدنی خود را به منصه ظهور رساند.

افزون بر این، انقلاب اسلامی تقویت بنیادهای تمدن اسلامی را از رهگذر اهتمام به چهار سطح تحلیل در این تمدن مدنظر قرار داد: نخست در سطح تحلیل فردی، رفتار مسالمت‌آمیز و نیکوی هر فرد با دیگران براساس راستگویی، رأفت، وفاداری، احسان و اخلاق شایسته را ارج نهاد. دوم در سطح تحلیل اجتماعی بر تعامل جوامع مسلمان بر اساس همکاری فرهنگی و بازرگانی و تحکیم روابط دوستی و مودت و اخوت تأکید نمود. سوم در سطح تحلیل سیاسی بر ضرورت تعامل دولت‌ها با ملت‌ها و اهتمام رهبران سیاسی به خواسته‌های ملت‌های مسلمان پای فشرد و چهارم در سطح تحلیل فرهنگی بر تبادل اندیشه‌ای میان تمدن اسلامی و سایر تمدن‌ها تأکید ورزید.

۲- ارتقای بیداری اسلامی

درخشش خورشید انقلاب اسلامی موجب شد بارقه‌های امید در جهان اسلام پدیدار شده و امید به حاکمیت آرمان‌های اسلامی و اصول و عقاید دینی مبتنی بر فطرت پاک انسانی از جمله حق‌جویی، استقلال خواهی، عدالت‌طلبی، آزادی خواهی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی و حمایت از مظلوم دو چندان گردد. انقلاب اسلامی توانست با ارتقای آگاهی و بیداری گسترده در بین مردم مسلمان، محروم و مستضعف جهان اسلام، روحیه شهامت و شجاعت لازم در آنان را برای مبارزه ایجاد کند و با ایجاد خودباوری نسبت به توان و امکانات درونی و تشویق لزوم شناخت فزونتر نسبت به تجربه‌ی تاریخی و عملی جنبش آزادی‌بخش، جرأت حرکت‌های مردمی را برای مبارزه بر اساس اندیشه‌های انقلابی اسلام فزونی بخشد.

انقلاب اسلامی به عنوان نقطه‌ی آغاز خیزش تفکر اسلامی توانست با شکل‌دهی به قشر جدیدی به نام نخبگان نرم‌افزاری به عنوان تولید گران‌اندیشه و تفکر اسلامی به احیای ارزش‌های دینی مبادرت ورزد و با تبیین تلائم و پیوند و سازگاری اسلام، دموکراسی، هویت اسلامی را به مسلمانان باز گرداند و عزت و اعتماد به نفس را در میان آنان ایجاد کند.

۳- احیای هویت جهان اسلام

انقلاب اسلامی ایران نشان داد که دین می‌تواند عنصری تأثیرگذار بر نظام تصمیم‌گیری جهانی قلمداد گردد و جهان اسلام با تکیه بر باورها و هنجارهای بومی از توان و قدرتمندی لازم برای شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. انقلاب اسلامی این خودباوری را به ملت‌های مسلمان اعطا کرد که می‌توان با شناخت دقیق از فرهنگ اسلامی و باز تعریف آرمان‌هایی چون استقلال، آزادی، عزت و عدالت و با تکیه بر الگوی تفکر، آگاهی، تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی باب خلاقیت اسلامی را گشود.

۴- محوریت ثبات منطقه‌ای

انقلاب اسلامی ایران با ایفای نقش سازنده در زمینه‌ی بازتولید منافع مشترک منطقه‌ای، مبارزه با تروریسم، توسعه همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، حمایت از روند ثبات منطقه‌ای بر اساس امنیت دسته‌جمعی، تبیین الگوی توسعه همه‌جانبه و درون‌زا، بیداری اسلامی و احیای تفکر و ارزش‌های دینی، جایگاه محوری در کمربند طلایی

ایران- سوریه- لبنان در منطقه، الهام‌بخشی در خاورمیانه براساس الگوی مردم‌سالاری دینی، تبیین مدل بومی اصلاحات درون‌زا در نظام‌های خاورمیانه، بهره‌گیری از قدرت اطلاعاتی و رسانه‌ای برای تبیین پیام عدالت، صلح و عزت، پیروی از الگوی تعامل مؤثر و سازنده با کشورهای اسلامی، اتخاذ دیپلماسی فعال و مؤثر در سیاست خارجی در اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت، عضویت فعال و اثرگذار در سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در جهت ارتقای نقش دین در عرصه تصمیم‌سازی، تقویت راهبرد، تقویت جایگاه ایدئولوژی در نظام تصمیم‌گیری منطقه‌ای و جهانی، گسترش همکاری‌های سازنده، مؤثر و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس «منطقه‌گرایی نوین» و ارتقای سطح آگاهی و بیداری ملت‌های منطقه، توانست به اتخاذ تمهیداتی خلاق و سازنده برای تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها و یا خلق فرصت‌های نوین مبادرت ورزد.

۵- جهانی کردن مبارزه با صهیونیسم

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حمایت از حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش به ویژه در فلسطین از نقش و جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. انقلاب اسلامی ایران با تبیین اینکه «اسلام راه‌حل، و جهاد وسیله اصلی است» به مبارزات مردم فلسطین و انتفاضه‌ی آنان جنبه‌ای فراملی بخشید و مبارزه با رژیم صهیونیستی را جهانی کرد.

ج) در سطح تحلیل بین الملل

شرایط بروز قدرت نرم طی سال‌های اخیر به شکلی باورنکردنی تغییر یافته است. انقلاب اطلاعات و جهانی شدن، جهان را دستخوش تغییرات بنیادین ساخته است و موجب شکل‌گیری جوامع و شبکه‌های مجازی شده که مرزهای کشورها را در هم نوردیده و همکاری‌های فراملی و عاملان غیرحکومتی را گسترش بخشیده است. قدرت نرم سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی موجب جلب و جذب شهروندان برای ایجاد ائتلاف‌های بین‌الملتی شده است. با توجه به اهمیت شبکه‌ها و رسانه‌ها به عنوان عوامل تسهیل‌کننده سیاست‌های بازیگران و گسترش دهنده به دیپلماسی عمومی، بازیگران روابط بین‌المللی اتخاذ رویکرد فعال، مبتکرانه و انتخاب‌گر را در فرآیند جهانی شدن در دستور کار خود قرار داده‌اند.

واقعیت آن است که در جهانی که همه از اطلاعات اشباع هستند آنچه از اهمیت برخوردار است اطلاعات نیست بلکه توجه ماست و این توجه طبیعتاً به سمت اطلاعات معتبرتر جلب می‌شود. از این رو شایسته است وجود نرم‌افزاری قدرت بین‌المللی انقلاب اسلامی از جمله به چالش کشیدن هژمونی فرهنگی غرب، گشایش جنبه ثالث در نظام بین الملل و پرچمداری انقلاب فرهنگی جهانی مورد مذاقه قرار گیرد.

ماهیت جنگ نرم

ماهیت جنگ نرم، همان ویژگی خشونت آمیز نبودن آن است. در این جنگ، از شیوه ها و روش های غیر خشونت آمیز استفاده می شود تا بر افکار و اندیشه های تأثیر بگذارند. رهبر معظم انقلاب، ماهیت جنگ نرم کنونی نظام سلطه علیه انقلاب و نظام اسلامی را این گونه تشریح می کنند: « یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته، توصیه ای به آمریکاییها کرد. این توصیه کاملاً در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه ای نیست. توصیه وی به آمریکاییهای این بود که بیهوده، وقت خود را با عراق و کره شمالی و کشورهای از این قبیل تلف کنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آنجاست؛ اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها کنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخشان سوق داد. وقتی مردم، این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون اینکه سرمایه ای صرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید.» (وزیری، ۱۳۸۵؛ ۴۵ و ۴۶)

ماهیت جنگ نرم بسیار پیچیده و متکی به قدرت نرم است. از این رو ویژگی های زیاد و متنوعی دارد که برخی از آنها عبارت اند از:

۱. ماهیت زدا

جنگ نرم در پی تغییر قالبهای ماهوی (باورها، ارزش ها و اندیشه های اساسی) جامعه و ساختار سیاسی است تا ماهیت اولیه را بزداید و مدل های رفتاری جدید در راستای ساختار شکنی شکل بگیرد.

۲. مرموز

جنگ نرم، آرام، تدریجی، خزنده، زیر سطحی، نامحسوس و مرموز است؛ به گونه ای که بسیاری آن را تشخیص نمی دهند.

۳. تصویر ساز

در جنگ نرم، مهاجم، با استفاده از نمادهای تاریخی، تصویر مطلوب از خود ارائه می دهد و حریفش را نماد یأس و شکست خوردگی معرفی می کند و عملیات روانی ویژه ای انجام می دهد.

۴. بایا

نتایج جنگ نرم- که تغییر باورها و اعتقادات است- پایدار و مداوم استو به راحتی و به زودی قابل بازگشت به حالت اولیه نیست.

۵. با جاذبه استخدام گرانه

جنگ نرم با ایجاد جاذبه های کاذب، به گونه ای عمل می کند که به تدریج، نیروهای درون جامعه هدف، خواسته یا ناخواسته به استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در می آیند و به آن، تحرک بیشتری می بخشند.

۶- محرک افکار و عواطف

در مهندسی جنگ نرم تلاش می شود که با استفاده از نمادسازیها، اسطوره سازیها و خلق ارزش های جدید، از احساسات و عواطف جامعه هدف، پلی برای نفوذ در افکار و تغییر باورها ساخته شود و با تحریک عواطف واحساسات، زمینه خلق بحرانها فراهم شود.

۷. آسیب زا

جنگ نرم با شناسایی آسیبهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، روی آنها مانور می دهد و ضمن افزون تدریجی آنها آسیب های جدید نیز می آفریند.

۸. دارای تنوع روشی

درجنگ نرم از تمام علوم، فنون و شیوه ها استفاده می شود و از این رو از لحاظ روشی بسیار پرحاشیه است.

۹. بحران زا

جنگ نرم با دامن زدن به تفاوت های طبیعی در باورها و ارزش ها، رفتارهای جدید اختلاف انگیزی پدید می آورد و بر اثر آن، بحران و درگیری داخلی ایجاد می کند و همبستگی اجتماعی و وحدت ملی را تخریب می کند.

۱۰. تردید افزا

یکی از قواعد جنگ نرم، ایجاد تردید و بدبینی روز افزون درباره باورها و اعتقادات اساسی جامعه است تا بتواند آن باورها و اعتقادات بنیادین را تغییر دهد.

۱۱. روز آمد

در جنگ نرم از پیشرفته ترین تکنیک های روز، فضای مجازی و سایبری به عنوان محیط جنگ نرم استفاده می شود. (وزیری، ۱۳۸۶؛ ۳۱ و ۳۲) این فضا، با ایجاد جاذبه های گوناگون به گمراه سازی مخاطبان می پردازد و زمینه لازم را برای سوار شدن بر امواج احساسات به خوبی فراهم می سازد.

۱۲. فریبنده رفتار ساز

زورگویی یا اعمال اقتدار در جنگ نرم به گونه ای است که رفتار دیگران - برخلاف میلشان- تغییر داده می شود، بی آنکه این زورگویی را احساس کنند مثل فردی کلاه بردار که با روشهایی فریبنده، شخصی را وادار می کند با دست خودش، مبلغی پوی بدهد؛ یعنی در جنگ نرم، اطلاعات ورودی به ذهن و دل انسان، کنترل و مدیریت می شود؛ در نتیجه رفتار بیرونی او نیز تا حدودی کنترل می شود و در راستای هدف مورد نظر جریان می یابد؛ مثل کنترل ورودی یک کارخانه که باعث کنترل خروجی آن نیز می شود.

مرور پیشینه

با توجه به موضوع مورد بررسی که مقایسه قدرت نرم و سخت در پیشبرد منافع ملی جمهوری اسلامی و به طور اخص بازیگری ایران و ترکیه در کشورهای عراق و سوریه می باشد، پیشینه تحقیق نیز بر این اساس بررسی شده است که در ذیل به آنها اشاره می شود:

تحقیقات فارسی

محمدزاده و همکاران (۱۳۹۷) در آخرین ویرایش کتاب خود با عنوان جنگ نرم و سخت در مشارکت سیاسی و امنیت ملی ساختار قدرت سیاسی، شکاف‌ها و چندپارگیهای اجتماعی و فرهنگی در ایران و تداوم و تقویت فرهنگ سیاسی پدرسالارانه را موانع اصلی امنیت منافع ملی می داند. در بخش دیگر این کتاب نظریه‌های مختلف در مورد منافع ملی مقایسه شده است که به عنوان مثال در مورد بحث تمرکز منابع قدرت: هانتینگتون وسیله توسعه منافع ملی را افزایش تمرکز قدرت در حکومت می داند. در حالی که محمدزاده معتقد است افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می دهد و از این رو مانع گسترش منافع ملی می شود.

پرویز امام زاده فرد (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان جنگ نرم و سخت در خاورمیانه به این نکته اشاره می کند که آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است بررسی شاخص‌هایی چون: وجود دشمن یا اقدامات وی، اصل رضایت و اصل امکان رقابت و شرع مقدس از عوامل مؤثر در منافع ملی می باشد. در منافع ملی به اصول ذاتی نظام مستقر از یک سو و وضعیت ویژه آن در حال حاضر که خصومت با مستقر از یک سو و وضعیت ویژه آن در حال حاضر که خصومت با غرب (بر سر اصل نظام، مسئله هسته‌ای، حقوق بشر و تروریسم) است مورد توجه قرار گرفته است. لذا این پژوهش در صدد توضیح این مسئله است که اصل اعتماد سازی در توسعه اجتماعی و توسعه سیاسی باید مدنظر طراحان و برنامه ریزان قرار گیرد. در خصوص اپوزیسیون، راه توسعه منافع ملی در خاورمیانه بازگشت آنان به چارچوب است.

تحقیقات خارجی

جوزف نای (۲۰۱۸) در کتاب اخیر خود بر به کارگیری آمیزه‌ای از قدرت نرم و قدرت سخت تاکید می‌کند و آن را قدرت هوشمند می‌نامد. به این معنا که به منظور دستیابی به اهداف و تحقق سیاست‌های مورد نظر، استفاده صرف از قدرت نرم یا قدرت سخت موثر نیست و از این رو می‌باید هوشمندانه آمیزه‌ای از این دو قدرت را به کار برد. جوزف نای قدرت نظامی و اقتصادی (سیاست چماق و هویج در برابر دولت‌ها و ملت‌ها) را قدرت سخت و قدرت فرهنگی، ارزشی و سیاست خارجی مشروع (ایجاد جذابیت و دستیابی به قلوب و اذهان دولت‌ها و ملت‌ها) را قدرت نرم تعریف می‌کند. در واقع، وی ایجاد هوشمندانه توازن میان قدرت نرم و قدرت سخت مطابق بافت منطقه‌ای و جهانی را قدرت هوشمند می‌داند و بر این باور است که راز موفقیت رهبران در آمیختن هوشمندانه قدرت نرم و سخت در بافت‌های مختلف نهفته است و این نوع به کارگیری قدرت، بهینه‌ترین نتیجه را برای رهبران

سیاسی در پی خواهد داشت. در نظام های دموکراتیک، مردم برای مبارزه علیه یا له قوانین، می توانند به اجتماعات مختلف ملحق شوند، به عضویت احزاب سیاسی در آیند یا شخصاً بر نمایندگان خویش اعمال نفوذ نمایند.

جوزف نای (۲۰۱۷) در مقاله خود با عنوان نقش قدرت نرم و سخت در ارتقای سطح امنیت ملی به این نکته اشاره می کند که به روش اسنادی ابتدا ریشه های قدرت نرم را از گذشته های دور بررسی می کند، سپس، عوامل تشکیل دهنده آن را تشریح و امکانات و محدودیت های عمده بر سر راه اعمال آن را ارزیابی می نماید. قدرت نرم از قرن ها قبل از میلاد مورد توجه اندیشمندان و حکمرانان در چین، یونان مصر و ایران قرار داشته است. در دهه های گذشته، و قبل از اینکه جوزف نای قدرت نرم و جایگاه آن را بخصوص در حوزه سیاست خارجی مفهوم سازی نماید، دانشورانی چون آلفرد دو گرازیا، کلاوس نور و جان کنث گالبرایت شکل هائی از قدرت را تبیین کردند که با قدرت نرم شباهت و معنی قانونمندی، مشروعیت و دموکراسی داشته و در مقابل قدرت سخت با زور و شیوه های تولید گذشته ربط داده شده است. منابع قدرت نرم را معمولاً ارزش های فرهنگی، بازیگران سیاسی، فرهنگ و خط مشی های سیاستمداران و نهادها تشکیل می دهند، اما برخی اوقات حتی نیروهای نظامی، که قاعدتاً بر قدرت سخت متکی هستند، توانسته اند نقش قدرت نرم را بازی کنند و دیکتاتوریهایی چون هیتلر و استالین را موفق سازند تا از امکانات آن برای اهداف خود بهره گیرند. قدرت نرم را از طریق نظرخواهی از افکار عمومی، مصاحبه بانخبگان سیاسی و مطالعات موردی می توان اندازه گرفت.

روش تحقیق

ماهیت این مطالعه به لحاظ اجرا کیفی (تئوری بنیانی) است. روش تحقیق پژوهش حاضر از نظر هدف نظری است چرا که نتایج حاصل از تحقیق می تواند توسط کارشناسان، محققان و برنامه ریزان دست اندرکار جهت مورد استفاده قرار گیرد. از نظر روش گردآوری داده ها و قابلیت تعمیم، پژوهش حاضر از نوع توصیفی (غیر آزمایشی) و پیمایشی است. ضمن این که در فرآیند شناسایی بسترها و واقعیات به کنکاش در عقاید و نظرات خبرگان و اعضای جامعه می پردازد. از نظر روش بررسی و تحلیل داده ها، تحقیق از نوع نظریه پردازی است.

در راستای دستیابی به هدف شناسایی و برآورد روشهای افزایش قدرت نرم در بازیگری ایران و ترکیه در سوریه و عراق، روش پژوهشی تئوری بنیانی برگزیده شد که ظهور و بروز مفاهیم و تئوری های موجود در پدیده های طبیعی از ویژگی های ذاتی آن محسوب می شود. با برگزیدن تئوری بنیانی به عنوان رهیافت پژوهشی، ابتدا ارزیابی اولیه انجام شد تا فرآیند جمع آوری داده های تحقیق به گونه ای هدفمند و سازمان یافته آغاز گردد. در این راستا، کار جمع آوری داده ها با انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با اساتید رشته علوم سیاسی آغاز شد. سوال اصلی که در این مصاحبه ها مطرح شد عبارتند از: به نظر شما مولفه های قدرت نرم و سخت در بازیگری ایران و ترکیه در سوریه و عراق شامل چه مواردی می باشد؟ نمونه گیری با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند (با حداکثر اختلاف) استفاده شد و مصاحبه ها تا رسیدن به اشباع تئوریک ادامه یافت. ضمناً برای جمع آوری یافته های کیفی مصاحبه ای

هدفمند با ۲۰ نفر از اساتید که اطلاعات مورد نیاز پژوهش را در اختیار دارند انتخاب شدند و در این راستا، کار جمع‌آوری داده‌ها با انجام مصاحبه نیمه‌ساختاریافته آغاز شد.

در طراحی سؤالات مصاحبه برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش حاضر از رویکرد مصاحبه نیمه ساختاریافته (استفاده از سؤالات باز) بهره گرفته شد و به این ترتیب در طی مصاحبه و در بین سؤالات اصلی مصاحبه محقق بسته به اقتضا سؤالاتی را مطرح کرده است. در حین انجام مصاحبه‌ها که هر یک حداقل یک ساعت طول کشید، مطالب ضبط شده به نوشتار تبدیل و جملات مرتبط با پژوهش بیرون کشیده شدند. به عبارت دیگر، کار بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موازات انجام مصاحبه‌ها پیش رفت. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های کدگذاری باز و کدگذاری محوری بهره گرفته شد. روش سوم نیز کدگذاری انتخابی است. با افزایش تعداد مصاحبه‌ها، زمانی که دیگر اطلاعات جدیدی در اختیار محقق قرار نداد و سخنان مصاحبه شونده‌گان تکرار صحبت‌های قبلی بود، اشباع تئوریک محقق گردید که نشان دهنده‌ی نزدیک بودن نقطه پایان فرآیند گردآوری اطلاعات می‌باشد. در این مرحله از تحقیق، تقریباً کار استخراج مفاهیم و طبقه‌بندی آن‌ها نیز رو به اتمام گردید.

لازم به ذکر است دغدغه درباره پایایی و روایی در همه‌ی شیوه‌های پژوهش، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار دارد. در این مطالعه از ممیزی پژوهشی برای سنجش پایایی و روایی مدل نهایی، استفاده شد. در این حالت روایی و پایایی به‌جای آنکه از جانب داوران خارجی تأیید یا رد شود، به‌طور فعال حاصل می‌شود (فوس و پدرسون، ۲۰۱۶). ممیزی پژوهشی در پژوهش‌های کیفی، اشاره به سازوکارهایی دارد که برای تضمین تدریجی روایی و پایایی و در نتیجه دقت علمی یک پژوهش در طی فرآیند انجام پژوهش انجام می‌شود (ماسون، ۱۹۹۶). این سازوکار در هرکدام از مراحل این مطالعه انجام می‌گیرد تا با شناسایی و اصلاح خطاها قبل از ورود به مدل و قبل از اینکه تحلیل را مخدوش سازند، نوعی یافته‌ی پژوهشی معتبر ایجاد کند. در انتها باید عنوان گردد که معیارهایی مانند حساسیت پژوهشگر، انسجام روش‌شناسی، متناسب بودن نمونه و گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها از جمله مهمترین راهبردهایی هستند که در این مطالعه جهت اجرای ممیزی پژوهش مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها، جملات و مفاهیم مرتبط با تحقیق بیرون کشیده شدند که حاصل این مرحله در ارتباط با بررسی روش‌های افزایش قدرت نرم در بازیگری ایران و ترکیه در سوریه و عراق، رسیدن به ۳۴ مفهوم بود. این مرحله از تجزیه و تحلیل داده‌ها در نظریه بنیانی تحت عنوان کدگذاری باز نامیده می‌شود.

⁵ Foss and Pedersen

⁶ Mason

در قدم بعدی، رمزگذاری محوری صورت گرفت که بر اساس آن می‌باید کار طبقه بندی مفاهیم انجام می‌گرفت. در این راستا، مفاهیم نزدیک به هم بنا بر مشابهت‌هایی، در یک زیرطبقه قرار گرفتند و در عین حال بر اساس تفاوت‌های بین مفاهیم زیرطبقه‌های مختلف تشکیل شد که با برقرار کردن ارتباط بین آن‌ها، طبقات به وجود آمدند (کدهای گزینشی). به عبارت دیگر، در مرحله رمزگذاری محوری و گزینشی، فرآیند ایجاد و توسعه طبقات اصلی و زیرطبقه‌های مربوط سامان‌دهی می‌شود. لازم به ذکر است که بررسی الگوهای موجود در داده‌ها و مقایسه دائمی داده‌ها و طبقات استخراج شده فرآیندی تکرار شونده به شمار می‌رود. این فرآیند یکی از پیچیده‌ترین بخش‌های مطالعه است که بارها و بارها مفاهیم در قالب زیر طبقه‌های مختلف مقایسه و جایگزین شده و جداول زیادی شکل گرفت که در نهایت تصمیم بر آن شد تا فرآیند رمزگذاری محوری در قالب جدولی که شامل مولفه‌های اولیه قدرت نرم بود تنظیم گردد.

برآورد مولفه‌های قدرت نرم

جهت بررسی مولفه‌های قدرت نرم از رهیافت تئوری بنیانی بهره گرفته شد. تئوری بنیانی یکی از روشهای تحقیق کیفی است که با تأکید بر زمینه‌های واقعی^۷ هدفهای یک تحقیق را دنبال می‌کند و برخلاف پارادایم کمی به دنبال آزمون نظریه‌ای خاص نیست، بلکه خود می‌خواهد نظریه و یا مدلی را از دل هر آنچه به طور واقعی وجود دارد، استخراج کند. حاصل بهره‌گیری از این روش تحقیق خاص محقق را به مدلی می‌رساند که از آن به عنوان مدل مفهومی^۸ (مدلی که بر اساس یافته‌های تحقیق کیفی و توسط خود محققان تدوین شده است و پیشینه نظری همانند مدل‌های نظری ندارد) نام برده می‌شود و برای ادامه فرآیند مطالعه حاضر دستیابی به این مدل مفهومی بسیار مهم تلقی می‌شد.

به طور کلی، بنا به این، یک رویکرد کیفی جهت دستیابی به اهداف این بخش از مطالعه برگزیده شد که در این بررسی بنا بر دیدگاه محققان بررسی ژرف و عمیق در ارتباط با موضوع (در بخشهای جداگانه) نیاز بود تا از تمامی جهات و با یک دید کلی نگری به موضوع نگریسته شود و این امر با ماهیت روش‌های کیفی همخوانی دارد. بر این اساس روش پژوهشی تئوری بنیانی برگزیده شد که ظهور و بروز مفاهیم و تئوری‌های موجود در پدیده‌های طبیعی از ویژگی‌های ذاتی آن محسوب می‌شود.

با برگزیدن تئوری بنیانی به عنوان رهیافت پژوهشی، ابتدا ارزیابی اولیه از شرایط موجود انجام شد تا روند جمع‌آوری داده‌های تحقیق به گونه‌ای هدفمند و سازمان یافته آغاز گردد. در این راستا، کار جمع‌آوری داده‌ها با انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته با یکی از افراد نمونه آماری آغاز شد. سوال اصلی که در این مصاحبه‌ها مطرح شدند عبارتند از: از دیدگاه جنابعالی مولفه‌های قدرت نرم چیست؟

7 - context

8 - conceptual model

سپس با راهنمایی ایشان مصاحبه با سایر افراد ادامه یافت. در حین انجام مصاحبه ها مطالب ضبط شده به نوشتار تبدیل و جملات مرتبط با پژوهش بیرون کشیده می شدند. به عبارت دیگر، کار بررسی و تجزیه و تحلیل اطلاعات به موازات انجام مصاحبه ها پیش می رفت. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های کدگذاری باز و کدگذاری محوری بهره گرفته شد. روش سوم نیز کدگذاری انتخابی است که بنابر عقیده محققان این نوع از کدگذاری می تواند بنا به صلاحدید و نیاز محقق انجام گیرد (عبدالله و دیگران، ۲۰۱۳).

همان گونه که اشاره شد پس از انجام مصاحبه ها، جملات و مفاهیم مرتبط با تحقیق بیرون کشیده می شدند که حاصل این مرحله در بررسی مولفه های قدرت نرم، رسیدن به ۳۶ مفهوم بود که در قالب جداولی تنظیم شدند. این مرحله از تجزیه و تحلیل داده ها در نظریه بنیانی تحت عنوان کدگذاری باز نامیده می شود. پس از مرور مفاهیم استخراج شده در جداول و حذف موارد مشابه نتیجه نهایی جدولی شامل ۲۷ مفهوم بود که در این بخش آورده شده است (جدول ۵-۱).

جدول ۵-۱- مفاهیم استخراج شده از مصاحبه های انجام شده

گویه ها (کدهای باز)
سیاست اقتصادی
روابط اقتصادی
ثبات اقتصادی
انعطاف اقتصادی
کفایت اقتصادی
پتانسیل اقتصادی
قدرت سیاسی
اشتراک مساعی
موضع استراتژیک بین المللی
ساختار حکومت (شکل و کارایی)
تحولات داخلی
عملکرد ملی
روحیه ملی
اخلاق ملی
ارتباطات

استعداد علمی
تجانس نژادی
طرز تلقی حکومت
کیفیت فرماندهی
ترویج ارتباطات مناسب
دانش، فرهنگ و باور
منابع ماوراء الهی
تحصیلات
بنیاد علمی
علم و تکنولوژی
استعداد علمی
عوامل روانشناسی

در قدم بعدی، رمزگذاری محوری صورت گرفت که بر اساس آن می باید کار طبقه بندی مفاهیم انجام می گرفت. در این راستا، مفاهیم نزدیک به هم بنا بر مشابهت هایی، در یک زیرطبقه قرار گرفتند و در عین حال بر اساس تفاوت های بین مفاهیم زیرطبقه های مختلف تشکیل شد که با برقرار کردن ارتباط بین آن ها، طبقات به وجود آمدند. به عبارت دیگر، در مرحله رمزگذاری محوری، فرآیند ایجاد و توسعه طبقات اصلی و زیرطبقه های مربوط سامان دهی می شود. لازم به ذکر است که بررسی الگوهای موجود در داده ها و مقایسه دائمی داده ها و طبقات استخراج شده فرآیندی تکرار شونده به شمار می رود.

این فرآیند یکی از پیچیده ترین بخش های مطالعه است که بارها و بارها مفاهیم در قالب زیر طبقه های مختلف مقایسه و جایگزین شده و جداول زیادی شکل گرفت که در نهایت تصمیم بر آن شد تا فرآیند رمزگذاری محوری در قالب جدولی که شامل مولفه های قدرت نرم تنظیم گردد (جدول ۵-۲). در جدول مذکور که شامل کدهای محوری و مفاهیم مرتبط می باشد تلاش شده است که مولفه های مذکور به شکل کاملاً طبقه بندی شده آورده شود.

جدول ۵-۲- طبقات حاصل از تحلیل مفاهیم (رمزگذاری محوری): مولفه های قدرت نرم

گویه ها (کدهای باز)	زیرطبقه (کدهای محوری)
---------------------	-----------------------

سیاست اقتصادی	توسعه اقتصادی
روابط اقتصادی	
ثبات اقتصادی	
انعطاف اقتصادی	
کفایت اقتصادی	
پتانسیل اقتصادی	
قدرت سیاسی	کفایت سیاسی - اجتماعی
اشتراک مساعی	
موضع استراتژیک بین المللی	
ساختار حکومت (شکل و کارایی)	
تحولات داخلی	
عملکرد ملی	منابع انسانی
روحیه ملی	
اخلاق ملی	
ارتباطات	
استعداد علمی	توسعه فرهنگی
تجانس نژادی	
طرز تلقی حکومت	
کیفیت فرماندهی	
ترویج ارتباطات مناسب	عامل آموزشی
دانش، فرهنگ و باور	
منابع ماوراء الهی	
تحصیلات	
بنیاد علمی	
علم و تکنولوژی	
استعداد علمی	
عوامل روانشناسی	

همان گونه که از جدول رمزگذاری محوری برمی آید در بیان مولفه‌های قدرت نرم پنج زیرطبقه به عنوان مولفه‌های ذکر شده شناسایی شده‌اند که عبارتند از: توسعه اقتصادی، کفایت سیاسی اجتماعی، منابع انسانی، توسعه فرهنگی، عامل آموزشی.

جدول ۵-۳- طبقات حاصل از تحلیل مفاهیم (رمزگذاری گزینشی): مولفه‌های قدرت نرم

گویه‌ها (کدهای باز)	زیرطبقه (کدهای محوری)	طبقه گسترده (کدهای گزینشی)
سیاست اقتصادی	توسعه اقتصادی	توسعه چندجانبه
روابط اقتصادی		
ثبات اقتصادی		
انعطاف اقتصادی		
کفایت اقتصادی		
پتانسیل اقتصادی		
قدرت سیاسی	کفایت سیاسی - اجتماعی	
اشتراک مساعی		
موضع استراتژیک بین المللی		
ساختار حکومت (شکل و کارایی)		
تحولات داخلی		
عملکرد ملی	منابع انسانی	
روحیه ملی		
اخلاق ملی		
ارتباطات		
استعداد علمی	توسعه فرهنگی	
تجانس نژادی		
طرز تلقی حکومت		
کیفیت فرماندهی		
ترویج ارتباطات مناسب		

دانش، فرهنگ و باور	عامل آموزشی	
منابع ماوراء الهی		
تحصیلات		
بنیاد علمی		
علم و تکنولوژی		
استعداد علمی		
عوامل روانشناسی		

همان گونه که از جدول رمزگذاری گزینشی برمی آید در بیان مولفه‌های قدرت نرم یک طبقه گسترده شامل توسعه چندجانبه شناسایی شده‌اند. با توأم کردن زیر طبقات و افزودن علایم به آن‌ها نموداری کلی از مولفه‌های مذکور آورده می‌شود.

می‌توان ادعا کرد حمایت ایران از ائتلاف یکپارچه عراق و احزاب کردی، بیشتر به واسطه این عامل در انتخابات فوق صورت می‌گرفت، که این گروه‌ها گزینه‌ای بهتر از نیروهای ناسیونالیست سکولار عرب یا گروه‌های سنی هستند چرا که این گروه‌ها رویکردی غیردوستانه در قبال ایران دارند. از سوی دیگر در این مقطع گذار، ایران از به قدرت رسیدن نیروهای سکولار طرفدار آمریکا و تحکیم موقعیت آن‌ها در سیستم سیاسی عراق نگران بود.

به قدرت رسیدن یک دولت دوست و متحد ایران برای اولین بار در تاریخ عراق (با اکثریت شیعی) زمینه را برای گسترش مناسبات با عراق در ابعاد مختلفی فراهم کرد. در سال ۱۳۸۶ پس از چهل سال، رئیس‌جمهور ایران به عراق سفر کرد و جو خوش‌بینی و اعتماد بین رهبران بغداد و ایران گسترش یافت. بعد از این سفر نیز، مقامات بلندپایه دو کشور از قبیل وزیر امور خارجه ایران، نخست‌وزیر و رئیس مجلس ملی عراق از دو کشور دیدن و بر گسترش روابط تأکید کردند. در سفر احمدی‌نژاد ضمن تأکید بر تحکیم و گسترش روابط، قراردادهای متعدد سیاسی، اقتصادی و امنیتی نیز منعقد شد (دهقان، ۱۳۸۹: ۳۰).

در دو دوره نخست وزیری «المالکی»، در کنار برخی اختلافات محدود، مناسبات چندجانبه ایران با دولت بغداد گسترش یافت. تهران و بغداد به شیوه‌ای فعال، برای گسترش مناسبات اقتصادی همکاری کردند. تا ژانویه ۲۰۱۰، دو کشور بیشتر از ۱۰۰ قرارداد همکاری را امضاء کردند. برای اولین بار در نیم قرن اخیر، عراق یک دوست و نه یک دشمن برای ایران بود (اسفندیاری و طباطبایی، ۲۰۱۵: ۶-۴).

در دوره نخست‌وزیری «حیدرالعبادی» نیز، به واسطه کمک‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی ایران جهت شکست داعش و عملیات آزادسازی شهرهای عراق از این گروه تروریستی که بخش عظیمی از خاک عراق را اشغال کرد،

مناسبات ایران بیش از پیش با دولت بغداد تحکیم گردید. نقش مهم ایران در حفاظت از تمامیت ارضی عراق در جریان مسأله استقلال خواهی کردستان هم، نه تنها نیروهای سیاسی دوست ایران را در عرصه سیاسی این کشور تقویت کرد، بلکه ایران را به متحدی استراتژیک و قابل اتکا برای دولت بغداد تبدیل ساخت.

بعد از انتخابات سال ۲۰۱۸ و روی کار آمدن دولت عادل «عبدالمهدی» نیز این همکاری‌ها در سطوح بسیار عالی ادامه پیدا کرد؛ به طوری که حسن روحانی رئیس جمهوری ایران در شرایطی که پس از خروج امریکا از برجام و اعمال تحریم‌های شدید علیه ایران، در ۲۲ اسفند ۹۷ سفر سه روزه خود به عراق را به پایان رساند. این سفر رئیس جمهور به یکی از مهم‌ترین همسایه‌های ایران موجب تحکیم روابط دوجانبه در حوزه‌های مختلفی از روابط سیاسی گرفته تا مناسبات اقتصادی و از ارتباطات فرهنگی گرفته تا پیوندهای اجتماعی شد. این سفر نقطه اوج توسعه روابط دوجانبه به حساب می‌آید و آمریکا و عربستان با وجود تلاش‌های زیاد نتوانستند نفوذ ایران در منطقه به خصوص در عراق را کاهش دهند.

به لحاظ روابط اقتصادی ایران و عراق نیز از ابتدای شکل‌گیری عراق جدید به همکاری در این زمینه پرداختند و این روند به ویژه بعد از تحمیل رژیم تحریم‌ها بر ایران در سال ۲۰۱۱ بیشتر گردید. به دنبال تشدید تحریم‌ها، ایران در جستجوی جایگزین کردن شرکای تجاری سنتی‌اش در منطقه یعنی ترکیه و امارات با عراق بود. امروزه عراق یکی از پنج شریک تجاری اصلی ایران است (اسفندیاری و طباطبایی، ۲۰۱۵: ۶ - ۴).

طبق گزارش تحلیلی خبرگزاری فارس از میزان صادرات ایران در سال ۹۷، عراق مقصد ۱۷ درصد صادرات ایران از سال ۸۸ تا ۹۶ به شمار می‌رود که بعد از چین دومین طرف تجاری ایران از این حیث محسوب می‌شود. همچنین آمارهای سال جاری نیز نشان می‌دهند در ۱۰ ماهه ابتدایی، میزان صادرات ایران به عراق بیش از ۷.۵ میلیارد دلار بوده که از کل صادرات ایران به این کشور در سال گذشته بیشتر است. از سوی دیگر، بر اساس آمارهای بین‌المللی از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ عراق با ۶۵ میلیارد دلار واردات، دومین مقصد کالاهای ایرانی به شمار می‌رود. با این حال مقایسه حجم صادرات ایران و ترکیه به عراق از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که ترکیه با وجود داشتن فقط یک گذرگاه مرزی با عراق، توانسته در این مدت بیش از ۹۳ میلیارد دلار صادرات به این کشور داشته باشد. این در حالی است که ایران ۱۵ گذرگاه مرزی با عراق دارد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۷/۱۲/۱۴).

همچنین «محمد رضا مودودی» سرپرست سازمان توسعه صادرات در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، با مقایسه

ارزش متوسط کالاهای صادراتی کشورمان به عراق در سال گذشته اظهار کرده است:

در سال ۹۷، ارزش متوسط کالاهای صادراتی کشور به ازای هر تن، ۳۶۰ دلار بود و این در حالی است که ارزش متوسط هر تن کالای صادراتی ایران به عراق ۵۰۰ دلار بوده است. ایشان همچنین به این موضوع اشاره می‌کند که در سال ۹۷، صادرکنندگان کشورمان توانستند کالاهای با ارزش افزوده بالاتر به کشور عراق صادر کنند. به گفته وی سهم عراق در تجارت با ایران بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته و ایران توانست ۲۹ درصد سهم بازار عراق را در

سال ۹۷ از آن خود کند (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸/۰۱/۱۶)؛ و این نشان می‌دهد که در سال ۹۷ کشور عراق بعد از چین بزرگ‌ترین واردکننده محصولات و کالاهای ایرانی بوده است و از نظر تنوع کالاهای وارداتی، در جایگاه نخست بین کشورهای واردکننده کالاهای ایرانی قرار گرفته است و رکورد ۹ میلیارد دلار صادرات ایران به عراق ثبت شده است.

علاوه بر این ایران و عراق در زمینه‌های دیگر از جمله برق، گاز، نفت و توریسم درمانی همکاری دارند. که همکاری دو کشور در حوزه انرژی بعد از خروج آمریکا از برجام با چالش‌های زیادی مواجه شده است. اکنون سایه سنگین فشارها و تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و وزارت خزانه‌داری این کشور به عنوان مانعی جدی بر سر راه روابط اقتصادی عراق و ایران به ویژه در حوزه مناسبات بانکی و ارزی عمل می‌کند و در این مدت نیز فشارهای واشنگتن تأثیرات منفی جدی را بر این روابط داشته است. دولت آمریکا برای کاهش روابط اقتصادی ایران و عراق به ممنوع ساختن معاملات دلاری پرداخته و در تلاش است تا واردات گاز و برق از ایران را نیز به تدریج محدود کند.

در این ارتباط می‌توان به دیدار آقای «ریک پری» وزیر انرژی ایالات متحده در ملاقات با مقامات دولت جدید در عراق اشاره کرد که در این دیدار خواستار افزایش تولید نفت توسط آن‌ها و صادرات نفت به ترکیه شد. او در این سفر حامل پیام قاطع دولت ترامپ به حکومت عراق مبنی بر عزم جدی آمریکا برای کاهش وابستگی عراق در زمینه انرژی به منظور مقابله با نفوذ ایران در عراق بود. آمریکا در این راستا به طور جدی از دولت عراق می‌خواهد که صادرات نفت خود را بالا ببرد، تولید داخلی برق را افزایش دهد و مصرف گاز را کاهش دهد تا در این زمینه به ایران وابسته نباشد و در نتیجه نفوذ ایران در عراق کاهش یابد. وزیر انرژی آمریکا همچنین خواستار افزایش مشارکت و همکاری عراق با شرکت‌های آمریکایی شد.

ت- تهدیدات ناشی از تجزیه عراق برای ایران

بخشی از راهبرد اصلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال عراق، حفظ تمامیت ارضی عراق بود که با ظهور داعش و همه‌پرسی اقلیم کردستان با چالش مواجه شد. در پایین به تهدید داعش و واکنش ایران به آن پرداخته می‌شود، سپس به بحث از استقلال‌طلبی کردها خواهیم پرداخت. شکل‌گیری یک دولت سنی‌گرا در مناطق مرکزی عراق با ظهور داعش، عملاً عراق را در معرض فروپاشی قرار داد. این دولت، بالقوه می‌توانست پایگاهی برای ناسیونالیست‌های عرب و اسلام‌گرایی سنی افراطی باشد، که رویکردی خصمانه به ایران دارند.

داعش همچنین، به واسطه گرایش‌های شیعه‌ستیزانه، نیات تجاوزگرانه نسبت به ایران، نزدیکی جغرافیایی، قدرت نظامی و تهاجمی، یک چالش عمده‌ای برای ایران و متحدینش در عراق از جمله کردها و شیعیان یا دولت متحد ایران در بغداد ایجاد کرد. در صورت تحکیم خلافت داعش، کل پروژه ایجاد دولت دوست و متحد ایران در

عراق و دغدغه حفظ تمامیت ارضی عراق، با شکست کامل مواجه می‌شد. ایران در این مساله از طریق شکل دادن ائتلافی از اقلیم کردستان و دولت عراق دست به ایجاد توازن و مقابله با تهدید مشترک کرد.

ث- ظهور داعش و خطر فروپاشی عراق

ظهور و پیشروی‌های خیره‌کننده داعش در مناطق مختلف عراق در سال ۲۰۱۴، تمامیت ارضی عراق را با خطر جدی مواجه ساخت. داعش با استفاده از تسلیحات پیشرفته و کمک‌های لجستیکی و نظامی کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت‌های شیعی عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند و با این کار محور مقاومت در معرض فرسایش و تهدید می‌گرفت. با حمله داعش به عراق موجی از فرقه‌گرایی و تفرقه‌شکال‌گرفت و فشارهای دیپلماتیک علیه شیعیان و سیاست خارجی ایران افزایش یافت و با اقدامات بی‌سابقه‌ای از جمله قتل و عام شیعیان در عراق، تهدیدات مربوط به امنیت و منافع ملی ایران عینیت یافت.

محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران معتقد است که داعش محصول دو چیز است: اول تهاجم آمریکا به عراق و حضور نیروهای خارجی که یک عنصر محرکه برای مقاومت را ایجاد کرده است و دوم احساس عدم توازن که در میان برخی کشورهای منطقه بعد از سقوط صدام غلبه یافته است؛ آن‌ها سعی می‌کنند که وضع موجود را تغییر دهند (اسفندیاری و طباطبایی، ۲۰۱۵: ۶).

با پیشروی داعش و زمزمه‌های حمله به بغداد، لحن مقامات ایرانی و نگرانی‌های آن‌ها از به قدرت رسیدن دوباره گروه‌های جهادی در عراق با همکاری بعضی‌ها یا تجزیه این کشور بیشتر شد. ایران در کمک به نیروهای کرد و عراقی در مقابله با داعش، از همان آغاز تردیدی به خود راه نداد و فعالانه آن‌ها را تشویق به مبارزه با این گروه کرد. با اینکه نیروهای سیاسی کرد به ویژه حزب دموکرات کردستان عراق و نیروهای اسلام‌گرای کرد، در ابتدا مخالف درگیر شدن با داعش بودند و مقامات کرد صراحتاً اعلام کردند که ما وارد جنگ مذهبی تحت لوای جنگ ترور نمی‌شویم. اما بعد از حمله داعش به چند شهر کردها از جمله سنگال و به خطر افتادن پایتخت اقلیم کردستان (اریبل) تصمیم به جنگ با داعش را با تمام قوا اتخاذ کردند. ایران اولین کشوری بود که جهت مبارزه با داعش به حکومت اقلیم کردستان بنا به گفته «مسعود بارزانی» کمک تسلیحاتی کرد (گرانمایه، ۲۰۱۷).

کمک‌های ایران چنان تعیین‌کننده بود که از پیشروی‌های داعش به سمت «بغداد» و «اریبل» جلوگیری کرد. سپاه پاسداران به ویژه نیروی قدس به فرماندهی سردار قاسم سلیمانی، نقش مهمی در آموزش و فرماندهی نیروهای عراقی در خلال جنگ داعش داشتند. به ویژه آموزش نیروهای داوطلبی که برای جنگ داعش از سوی نیروهای سیاسی عراقی (از جمله صدری‌ها، کتائب حزب الله، کتائب الامام علی، سازمان بدر، عصائب اهل حق) در استان‌های مختلف عراق استخدام می‌شدند. همچنین فرماندهان نیروی قدس سپاه، مستقیماً در برخی مراکز اصلی درگیری

همچون محاصره «آمرلی» در شمال عراق فعال بودند؛ جایی که نیروی کرد و شبه نظامیان شیعه عراقی با ورود سردار سلیمانی نهایتاً داعش را شکست دادند (عادل خواه، ۲۰۱۵).

این فعالیت‌ها بخشی از حضور و ایفای نقش ایران در جنگ علیه داعش در عراق بوده است. ایران در خلال جنگ همواره کمک‌های اطلاعاتی مهمی به نیروهای کرد و عراقی کرده است. گزارش‌های مختلفی از استقرار نیروهای اطلاعاتی ایران جهت ردیابی ارتباطات نیروهای داعش و بعضاً جلوگیری کردن از آن، از سوی رسانه‌های مختلف منتشر شد. همچنین رسانه‌هایی نیز، از فرستادن هواپیماهای بدون سرنشین ساخت ایران به عراق، جهت مقابله با داعش خبر دادند (عادل خواه، ۲۰۱۵).

ایران در خلال جنگ داعش هزینه‌های زیادی متحمل شد. تنها چهل تن از مشاوران نظامی سپاه به نیروهای «حشدالشعبی» از ۱۵ مارس ۲۰۱۴ تا ۳ اگوست ۲۰۱۷ در عراق جان باختند (آلفونه، ۲۰۱۷). سپاه پاسداران و سردار سلیمانی در سازماندهی و تشکیل نیروهای حشدالشعبی، آموزش و ارائه مشاوره در خلال جنگ و آزادسازی موصل و سایر شهرهای اشغال شده از سوی این گروه افراطگرا نقش مهمی داشتند. برخی از مقامات حشدالشعبی به این مسأله اذعان کرده‌اند (روجیو و ویز، ۲۰۱۵).

ج- استقلال‌خواهی کردستان عراق و بازگشت خطر تجزیه

همه‌پرسی در کردستان عراق نیز، در زمره وقایعی بود که راهبرد اصلی سیاست خارجی ایران را در عراق با چالش مواجه می‌ساخت. نگرانی‌های ایران دارای سه بعد داخلی ایرانی-عراقی، منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در سطح داخلی ایرانی، مقامات ایران از تأثیرات این مسأله بر امنیت ملی ایران و تشدید گرایش‌های ملی‌گرایانه کردی و دامن زدن به خواست‌های واگرایانه در کردستان ایران نگران بودند. در بعد امنیت داخلی عراقی نیز، تجزیه کردستان عراق، امکان چند پاره شدن عراق و تجزیه مناطق سنی نشین را دامن می‌زد. در صورت چنین سناریویی، این مناطق حوزه نفوذ رقبای منطقه‌ای ایران و نیروهای عربگرا و سنی‌گرایی می‌شد، که می‌توانست در آینده تهدیداتی را متوجه ایران سازند.

نگرانی منطقه‌ای ایران در بعد منطقه‌ای، به حمایت اسرائیل از تأسیس دولت کردی باز می‌گشت. تهران از طرح‌های ژئوپولتیکی اسرائیل در منطقه شمال عراق نگران بود، که اسرائیل با حمایت عمومی از همه‌پرسی، در پی پاسخی به سال‌ها حضور ایران- حزب الله در مرزهای شمالی‌اش باشد (ندیمی^۹، ۲۰۱۷). در بعد بین‌المللی نیز، سوءظن مقامات تهران نسبت به سیاست آمریکا در عراق و احتمال تبدیل چنین دولتی به متحد غرب، اسباب نگرانی دیگر ایران بود.

^۹ .Nadimi

از دید رهبران کرد، علیرغم فدرالی بودن سیستم سیاسی عراقی بعد از ۱۳۸۲ و مبارزه کردها با داعش و هزینه‌های زیاد در این راه، حکومت مرکزی عراقی حاضر به برگزاری referendum و اجرای ماده ۱۴۰ قانون اساسی، جهت پایان دادن به اختلافات بر سر سرزمین‌های مورد اختلاف نشده است. همچنین دولت مرکزی از تسهیم منابع نفتی به نحو عادلانه یا پرداخت بودجه کردستان که از سال ۲۰۱۴ قطع شده بود، طفره رفته است و حمایت کافی به لحاظ آموزشی، سلاح و مالی از نیروهای پیشمرگ به عمل نمی‌آورد. با اتمام عملیات آزاد سازی موصل از کنترل داعش، رهبران کرد بحث برگزاری همه پرسی جهت استقلال از عراق را مطرح ساختند. این در حالی بود که برخی از مناطق از جمله «حویجه» از شهرهای استان «کرکوک» همچنان در دست داعش باقی مانده بود.

پیشنهادات

- تدوین سند راهبردی دیپلماسی کشور به عنوان جزء مکمل سند چشم انداز بیست ساله کشور به عنوان اولویت یکم دستگاه سیاست خارجی
- توجه به نیروهای فرو ملی و فرا ملی
- زمینه‌سازی و بستر سازی برای گسترش فعالیت‌های بخش خصوصی و کمک به آن با فراهم‌سازی بانک اطلاعاتی از کشورهای دیگر
- اعمال مدیریت توانمند بر سیاست خارجی با رویکرد برون نگر و تعاملی در راستای ارتقای قدرت ملی و رفاه عمومی

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱) «بحران سوریه و تاثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۷۰-۱۶۹.
- البستانی، ناجی. س. (۲۰۱۳)، «السعودیه حاولت سحب الدعم الروسي للاسد ... هل نجحت؟»، موقع بانوراما الشرق الاوسط.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۲)، تحولات عربی، ایران و خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، سال دوم، شماره دوم.
- حسام، مطر (۲۰۱۳) «ترکیا فی الشرق الاوسط بین الطموح وقيود النفوذ»، فصلیه شؤون الاوسط، بیروت، شتاء ۲۱۰۳، رقم ۱۴۴.
- حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۱) «نگاهی به سیاست خارجی ترکیه در سال‌های اخیر؛ چیرگی کمالیسم بر پراگماتیسم»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۹، اردیبهشت.
- حسینی، سیده‌مطهره، طالب ابراهیمی و صفی‌الله شاه‌قلعه (۱۳۹۱)، عملکرد تأثیر تحولات سوریه بر الگوی خاورمیانه‌ای حزب عدالت و توسعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۵۱.
- دارایسدل، آلسدایر و جرالدا اچ. بلیک (۱۳۶۸)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه علی دره‌شیری، تهران: جغرافیا.
- عبدالباری، عطوان (۲۰۱۲)، «سوریا و فرص التداخل العسکری»، القدس العربی.
- عبدالباری، عطوان (۲۰۱۳)، «الامیر بندر هدد بالحرب.. وها هو اوباما يستعد للتنفيذ»، موقع بانوراما الشرق الاوسط.
- فرزندی، عباسعلی (۱۳۹۱)، «اهمیت راهبردی سوریه برای ایران»، پیام انقلاب، شماره ۶۲، شهریور.
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، «مبانی گفتمانی و رفتاری اسلام‌گرایان ترکیه در حوزه سیاست ورزی» فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۱.
- فلاح، رحمت‌الله، (۱۳۹۰)، «سیاست خارجی ترکیه و تحولات انقلابی جهان عرب»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۶.

- Moshe Maoz And Avner Yaniv , Syria Under Assad (Domestic Constraints And Regional Risks) ,The Institute of middle Eastern studies university of Haifa, 1998, P. 109

- Patrik Seale , The Struggle For Syria , Oxford University Press , London, 1965, P.54.
- Esfandiary, Dina and Ariane Tabatabai(2015), Iran’s ISIS policy, International Affairs 91: 1, The Royal Institute of International Affairs. Available at: https://www.chathamhouse.org/sites/.../INTA91_1_01_Esfandiary_Tabatabai.pdf.
- Fishman, Brian and Felter, Joseph (2008), Iranian Strategy in Iraq Politics and “Other Means”, October 13, Combating Terrorism Center at West Point. https://fsi-live.s3.us-west-1.amazonaws.com/s3fs-public/Felter_Iranian_Strategy_in_Iraq.pdf
- Geranmayeh, Ellie(2017), Iran’s strategy against the Islamic State, ECFR Council ,available at: http://www.ecfr.eu/article/commentary_irans_strategy_against_the_islamic_state320
- Gramer, Robbie and Paul Mcleary (2017), Iraqi-Kurdish Clash in Kirkuk Opens Door to More Iranian Influence, October 16, available at: <http://foreignpolicy.com/2017/10/16/iraqi-kurdistan-clash-kirkuk-open-door-to-more-iranian-influence-slows-fight-against-islamic-state-isis-terrorism-middle-east/>
- Hasan al-Qarawee ,Harith (2014), Iraq’s Sectarian Crisis: A Legacy of Exclusion, April 23, available at: <http://carnegie-mec.org/2014/04/23/iraq-s-sectarian-crisis-legacy-of-exclusion-pub-55372>
- Kagan, Kimberly (2007), Iran’s Proxy War against the United States and the Iraqi Government, Washington, DC: Institute for the Study of War and WeeklyStandard, note 7.
- Kajjo, Sirwan(2014), The Rise of ISIS, a Golden Opportunity for Iraq’s Kurds, available at: <http://carnegieendowment.org/sada/55954>.
- Kamrava, Mehran(2008), The United States and Iran: A Dangerous but Contained Rivalry, Middle East Institute, No. 9.
- Readout of Secretary Perry’s Visit to Iraq and Kurdistan, energy.gov, (2018/12/11), available at: <https://www.energy.gov/articles/readout-secretary-perry-s-visit-iraq-and-kurdistan>, December 11, 2018.
- Spyer, Jonathan (2017), The Fall of Kirkuk: Made in Iran, October 18, available at: <https://www.the-american-interest.com/2017/10/18/fall-kirkuk-made-iran/>
- WALT, Stephen M. (1985). “Alliance Formation and the Balance of World Power” International Security, Vol.9, No.4, pp.3–43.